

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین

محمدصادق نجفی*

غلامحسین بلندیان**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران با اثبات امکان‌پذیر بودن تغییر به ملت‌های مسلمان، باعث شد تا مسلمانان از فضای رخوت و رکود ناشی از اتکا به ایدئولوژی‌های غربی و نبود مدل یک انقلاب و حکومت دینی فاصله بگیرند و با الگوبرداری از روش‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران، فعال شده و مطالبات خود را به صورت جدی‌تری پیگیری کنند.

انقلاب اسلامی و تداوم حرکت آن در غالب نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگویی موفق پیش روی ملت‌های مسلمان قرار گرفته و آنان را به حرکت در جهت تغییر فضای موجود متمایل کرده است. حاصل این حرکت امروز به شکل بیداری اسلامی در کشورهای منطقه به‌ویژه بحرین قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی

بحرین، ایران، انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی، امام خمینی، مردم‌سالاری دینی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی ره به پیروزی رسید، علاوه بر تأثیرات داخلی با رساندن پیام خود به سایر ملت‌ها به‌ویژه کشورهای اسلامی، عامل اثرگذار مهمی در عصر حاضر به شمار می‌آید.

انقلاب اسلامی به واسطه ماهیت فراملی و اسلامی از یک سو و موقعیت ژئوپلیتیک ایران و منطقه خلیج فارس

msnajafi89@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

*. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای.

***. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰

از سوی دیگر، محیط اطراف و فرمانطقه‌ای خود را تحت تأثیر قرار داد. انقلاب ایران اولین جنبش و تحول انقلابی است که بر مبنای ایدئولوژی اسلامی شکل گرفت و به پیروزی رسید. این در حالی است که «انقلاب اسلامی» در دوران حاکمیت سکولاریسم و عصر پایان ایدئولوژی رخ داد که نقشی برای دین و ایدئولوژی در تحولات سیاسی منظور نمی‌شد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۷)

می‌توان عنوان کرد که «انقلاب اسلامی از جمله انقلابات منحصر به فرد و به تعبیر دیگر، انقلابی یگانه می‌باشد، به طوری که مهم‌ترین و برجسته‌ترین نظریه‌های انقلاب غرب از تحلیل مناسب ماهیت و مبانی آن عاجز می‌شوند». (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

خانم «تدا اسکاچپل»^۱ نظریه‌پرداز مشهور پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، در مقاله‌ای با عنوان «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در ایران»^۲ که در مجله *تئوری و جامعه*^۳ به چاپ رسید با پذیرش ضعف نظریه خود تصریح می‌کند:

سقوط اخیر شاه ایران و به راه افتادن انقلاب ایران بین سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۷۷ باعث تعجب ناگهان ناظران خارجی از دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و متخصصین علوم اجتماعی از جمله افرادی مثل من که متخصص مسائل انقلاب هستیم، گردید. (فراتی، ۱۳۷۹: ۱۸۵)

وی همچنین در ادامه این مقاله در بررسی وضعیت انقلاب اسلامی ایران به این نکته اذعان می‌کند که برخلاف نظریاتش در مورد ارتباط میان ایدئولوژی و شکل‌گیری انقلاب، نقش فرهنگ و ایدئولوژی شیعی در وقوع انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته بوده است. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

بیان مسئله

وقوع تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا که با فاصله زمانی حدود سه دهه‌ای از انقلاب اسلامی ایران به سرنوشتی یا تزلزل حکومت‌های وابسته منجر شده این سؤال را ایجاد می‌کند که ممکن است چه رابطه‌ای میان این تحولات و انقلاب اسلامی ایران وجود داشته باشد؟ در صورت وجود ارتباط، اثرگذاری انقلاب اسلامی بر تحولات کشورهای خاورمیانه در چه جنبه‌ها و از چه راه‌هایی صورت گرفته است؟

در بیان مسئله این مقاله به طور خلاصه می‌توان عنوان کرد که وجود برخی شباهت‌ها بین حرکت انقلابی مردم بحرین با انقلاب اسلامی ایران گمانه تأثیرپذیرفتگی ملت بحرین از انقلاب اسلامی ایران و چگونگی آن را به ذهن متبادر می‌سازد.

1. ThedaSkocpol.
2. Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution.
3. Theory and Society.

فرضیه

با توجه به قرابت‌های فرهنگی موجود میان دو ملت ایران و بحرین، به‌ویژه دین و مذهب مشترک به نظر می‌رسد، انقلاب اسلامی ایران توانسته با ایستادگی در مقابل خواست قدرت‌های هژمونیک دنیای امروز از طریق ارائه الگویی نسبتاً موفق، تأثیرات عمیقی را بر جامعه بحرین برجای گذارد. از جمله مهم‌ترین این اثرات ایجاد باور امکان‌پذیر بودن تغییرات دین‌محور و مستقل از خواست قدرت‌های هژمونیک است.

بنابراین، فرضیه این مقاله این‌گونه صورت‌بندی می‌شود:

به نظر می‌رسد باور به اندیشه امکان‌پذیر بودن تغییر، از جمله مهم‌ترین گزاره‌های منبعث از انقلاب اسلامی است که توانسته امید به تغییرات دین‌محور و مستقل از خواست قدرت‌های هژمونیک را در میان ملت‌های مسلمان به‌ویژه ملت بحرین زنده کند.

مبانی نظری

با توجه به ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران هیچ یک از نظریات موجود توانایی تبیین همه‌جانبه تأثیرات این انقلاب را ندارند؛ به همین دلیل و با نظر به موضوع حاضر و از مجموع مطالعات صورت گرفته به نظر می‌رسد که برخی از مباحث «رابرت‌گر»^۱ در زمینه «محرومیت نسبی»^۲، «انتظارات فزاینده»^۳ و «تأثیر سرایتی»^۴ که در کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند»^۵ آمده است را می‌توان به عنوان پایه نظری تحلیل حاضر در نظر گرفت:

جنبش‌های اجتماعی تنها زمانی به خود شکل جدی و عملیاتی می‌گیرند که باور به تغییر و حصول نتیجه در آنها به صورت اعتقادی راسخ بروز کند. به گفته «توک» مردم در صورتی که از مشکل، آگاهی داشته باشند و باور کنند که تغییر امکان‌پذیر است، مستعد جذب جنبش‌های اجتماعی می‌شوند. این جاذبه‌ها، می‌تواند توجه مردم را به وضعیت‌های مشکل‌آفرین جلب کنند؛ یا اینکه وضعیت‌های مشکل‌آفرین را چنان بازتفسیر نمایند که باعث ایجاد آمادگی شوند. (رابرت‌گر، ۱۳۸۸: ۲۴۸)

وجود نمونه‌ای عملی از جامعه‌ای که در آن مردم توانسته‌اند با تکیه بر قابلیت‌ها و توان بومی خود نسبت به برپایی نظام مورد نظرشان اقدام کرده و در این راه به موفقیت دست یابند، نقش بسزایی در باور ملت‌های منطقه داشته است. رابرت‌گر در این خصوص معتقد است:

استعداد گروه‌ها برای چرخش به سوی انتظارات ارزشی فزاینده به شکل معتدلی تحت تأثیر

1. Ted Robert Gurr.
2. Relative Deprivation.
3. Rising Expectations.
4. Demonstrative effect.
5. Why men rebel?.

تصور دسترسی به فرصت‌های ارزشی برای برآوردن این انتظارات قرار دارد. به عبارت دیگر تماس و آشنایی با مزایای مادی و قدرتی یک «شیوه بهتر زندگی» حتی باعث چرخش کسانی که شدیداً ناراضی‌اند نمی‌شود، مگر آنکه بدانند فرصت‌هایی برای کسب آن کالاها (شیوه زندگی بهتر) دارند. (همان: ۱۳۸)

در این مورد باید به «تأثیر سرایتی» نیز اشاره داشت؛ چراکه به عقیده رابرت گر تأثیر سرایتی که به عنوان یکی از منابع مهم شکل‌گیری انتظارات فزاینده قلمداد می‌شود، عبارت از:

تحرك رو به بالای یک گروه اجتماعی بر افزایش انتظارات گروه‌های دیگر است. این استدلال در واقع بسط دیدگاه جامعه‌شناسانه متعارف درباره محرومیت نسبی است. (همان: ۱۴۱)

با توجه به این تعریف می‌توان گفت که حرکت مردم ایران در انقلاب سال ۵۷ که به سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی منتج شد، توانسته به عنوان یک حرکت رو به جلو، سطح مطالبات مسلمانان سایر کشورها را نیز افزایش داده و با ارائه الگویی کارآمد، باور به امکان‌پذیر بودن تغییر را در میان ملت‌های مسلمان ایجاد کند.

پس از انقلاب اسلامی ایران بسیاری از مسلمانان با مقایسه وضعیت خود با وضعیت ملت ایران به نوعی احساس خلاء و کمبود کردند و در راه جبران آن حرکت کردند؛ چراکه گفته می‌شود:

محرومیت نسبی هنگامی افزایش می‌یابد که افراد، وضعیت خود را با وضعیت گروه مرجعی مقایسه می‌کنند که آنچه را می‌خواهند و فکر می‌کنند باید داشته باشند، دارند. هرچه مابه‌التفاوت منفی افراد بیشتر باشد، محرومیت نسبی آنها نیز بیشتر خواهد بود. (همان)

ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

خیزش جهان اسلام، احیای هویت دینی مسلمانان، افزایش آگاهی و بصیرت‌بخشی به مسلمانان، ایجاد باور به امکان‌پذیر بودن تغییر، ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی از مهم‌ترین تأثیرات مورد ذکر است.

۱. انقلاب اسلامی ایران و خیزش جهان اسلام

بررسی عملکرد سیاسی مسلمانان در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که تا پیش از انقلاب، گروه‌های مختلف مسلمان در کشورهای مختلف غالباً در فعالیتهای خود، اسلام و باروهای دینی را کنار گذاشته و مبانی حرکت خود را بر اساس مکاتب غربی مانند سوسیالیسم^۱، مارکسیسم^۲، لیبرالیسم^۳، ناسیونالیسم^۴ و ... استوار

1. Socialism.
2. Marxism.
3. Liberalism.
4. Nationalism.

کرده بودند. از آنجا که حرکت بر اساس این مکاتب با باورهای مسلمانان سازگاری نداشت، با شکست همراه شده و یأس و ناامیدی را در این جوامع به همراه می‌آورد. دکتر «سعید شهابی» از مبارزان بحرین در این زمینه می‌گوید:

دوره انحطاطی که امت اسلام آن را در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته پشت سر گذاشت و با تسلط صهیونیست‌ها بر قدس همراه بود باعث ایجاد این تفکر شد که ایدئولوژی‌هایی مانند حزب بعث و کمونیسم و غیره که تاکنون در جهان اسلام وجود داشته بودند ناکارآمد هستند؛ زیرا نتوانسته‌اند مردم را به قیام وادارند و احساس شکست و سرخوردگی در میان مردم رواج یافت. (www.farsnews.com)

مبارز بحرینی «راشد الراشد» در خصوص تأثیر حرکت امام خمینی رحمه‌الله می‌گوید:

با نیم‌نگاهی به اوضاع جوامع عربی و اسلامی پیش از برآمدن جنبش بیدارگرانه اسلامی به خوبی درمی‌یابیم که رکود، بی‌حرکی، انفعال و افسردگی، همه جا مشاهده می‌شد. ملل اسلامی با توجه به عقب ماندگی و ناکامی‌های مختلف به نوعی زمین‌گیر و به این واماندگی خو گرفته بودند. راه طولانی طی شد تا بارقه‌های امید در دل‌ها زنده شود، آن هم پس از آنکه رویکردهای مختلف به ملیت، قومیت، عربیت، مارکسیسم، سرمایه‌داری، لیبرالیسم، سکولاریسم، جواب نداد. در این میان نمی‌توان از حرکت امام خمینی رحمه‌الله به آسانی درگذشت. آن بزرگوار را می‌بایست پرچمدار و بنیادگذار بیداری اسلامی معاصر تلقی کرد. امام خمینی رحمه‌الله پیش از انقلاب، برضد جمود و سکون و سکوت مسلمانان شورید. ایشان گرد و غبار اسلام را زدود و آن را از اسلام قشری و به دور از صحنه و سیاست به اسلام تحول‌آفرین و یاور مردم به خصوص محرومان مبدل کرد و این همانا حرکت مجدانه (احیاگرانه)‌ای بود که امت اسلام نیاز مبرم به آن داشت. پیروزی انقلاب اسلامی پی‌آیند این تغییر و تحولات بود که جغرافیای جهان اسلام را وسعت بخشید و آن را به منظر آورد و بدان عمق فکری و استراتژیک بخشید. این بیداری دینی، مسلمانان را از خواب غفلت به هوش آورد. (الراشد، ۱۳۹۰)

امام خمینی رحمه‌الله با برپایی نظام جمهوری اسلامی ظرفیت‌های بالای اسلام را برای اداره جوامع ثابت کرد؛

جدای از چگونگی و میزان ارتباط میان افکار منبعث از انقلاب اسلامی ایران و فعالیت‌های سیاسی گروه‌های مسلمان در جهان، بی‌تردید به خطا نرفته‌ایم اگر بگوییم نسل مسلمان پس از انقلاب، در سراسر جهان پذیرفته‌اند که اسلام برای اصلاح سیاسی و اجتماعی برنامه دارد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۳۲)

۲. انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت مسلمانان

انقلاب اسلامی نقطه عطفی در احیای هویت دینی مسلمانان پدید آورد و با دفاع هشت ساله خود، تشیع و

اسلام را در مرکز حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (پارسانیا، ۱۳۷۶: ۳۵۴) این انقلاب در شرایطی به پیروزی رسید که جوامع اسلامی و مسلمانان در رکود و رخوت به سر می‌بردند. فروپاشی و تجزیه تحقیرآمیز امپراتوری عثمانی، شکست‌های پیاپی کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی، وجود حکام وابسته در رأس امور ممالک اسلامی، فقدان راهکاری مؤثر و کارآمد برای احیای مجد و عظمت گذشته ملت‌های مسلمان و ... از جمله دلایل این رخوت و سرخوردگی بود. این سرخوردگی به نحوی در جوامع اسلامی رسوخ کرده بود.

تا قبل از قیام امام خمینی علیه السلام شیعیان خلیج فارس فاقد سابقه مقاومت ستیزجویانه در برابر حکومت‌های زورگو بودند. آنان در بسیاری موارد احساس می‌کردند که در حاشیه قرار دارند، لیکن هیچ‌گاه شکایات و ناراضی‌های خود را به صورت قیام و طغیان بروز نداده و نیز نکوشیده بودند که از طریق کودتا دولتی را سرنگون کنند. برخی از آنان حداکثر از طریق تظاهرات و ناآرامی به نفوذهای خارج از جامعه خود واکنش نشان می‌دادند. حتی در آن زمان نیز شیعیان به تنهایی عمل نمی‌کردند بلکه بیشتر به عنوان بخشی از یک ائتلاف گسترده‌تر اپوزیسیون دست به عمل می‌زدند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۰ و ۲۰۱)

پس از آنکه یک قرن از ورود تمدن غرب به جهان اسلام گذشت، اعتماد به نفس در میان مسلمانان، به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده از میان رفته بود. شمار فراوانی از تحصیل‌کرده‌های جدید، طرفدار آن بودند تا در هویت جهانی غرب هضم شده و گذشته خود را به فراموشی بسپارند. توجه آنها به گذشته، تنها از باب تفنن و سرگرمی بود و در این باره نیز می‌کوشیدند تا آنچه را که تحقیقات جدید غرب درباره گذشته آنها گفته، مورد اعتماد قرار دهند. در اصل، اعتماد به نفس که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود و می‌توانست سبب احیای فرهنگ سنتی اسلامی و رشد و باروری آن باشد، دیگر چندان طرفداری نداشت. انقلاب اسلامی [ایران] که به عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی جدید، پدیده‌ای شگرف بود، تکیه زیادی بر روی اعتماد به نفس اسلامی کرد. این مسئله در شعارهای امام خمینی علیه السلام فراوان مطرح می‌شد و نکته‌ای بود که در نهایت می‌بایست به اتحاد دنیای اسلام و بازگشت عظمت دیرین بینجامد. (جعفریان، ۱۳۷۸)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به تعبیر «محمدحسین هیکل» مانند گلوله توپی بود که ۱۴۰۰ سال پیش شلیک شده و امروز در سکوت بی‌دینی جهان اسلام فرود آمده است. این انقلاب بدون تردید، آثار گسترده‌ای را در حوزه فکری و تمدنی جهان اسلام در طول بیش از سه دهه گذشته به وجود آورده است. (انصاری، ۱۳۹۰)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم بحرین با حمل پلاکارد، تظاهرات عظیمی به حمایت و همبستگی با انقلاب اسلامی ایران بر پا کردند. همبستگی و اتحاد مردم مسلمان بحرین با مردم مسلمان و انقلابی ایران به حدی بود که سازمان آزادی‌بخش بحرین به عنوان نماینده همین مردم قبل از پیروزی با رهبران انقلابی ایران ارتباط داشته و همکاری می‌کرد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

علاقه مردم بحرین به انقلاب اسلامی ایران به حدی بود که نماینده سازمان آزادی‌بخش بحرین طی یک مصاحبه اظهار داشت که ملت مسلمان بحرین از اوایل نهضت، عملیات و تظاهرات بزرگ ملت مسلمان ایران علیه رژیم منحوس شاه را پیگیری می‌کردند و هر لحظه در انتظار دریافت اخبار جدید از اوضاع داخلی ایران به سر می‌بردند. تنها آرزوی ملت بحرین پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود و اهمیت اخبار ایران به جایی رسید که در بحرین هر کسی فکر می‌کرد این اخبار در داخل بحرین جریان دارد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)

نهضت امام خمینی علیه السلام در ایران حاوی پیامی روشن برای ملت‌های مسلمان بود: «ما می‌توانیم».

جوامع شیعی که طبیعتاً نسبت به ایران احساس تعلق و همبستگی داشتند، در اثر انقلاب اسلامی هویت تازه خود را پیدا کرده، بر آن تکیه کردند. آنان با مشاهده الگوی ایران به نیرو و قابلیت نهفته این هویت جدید پی‌بردند و در نتیجه امیدوارانه به سوی ارتقای خود برای حل مشکلات گوناگونی که گریبان‌گیرشان بود حرکت کردند. این خودآگاهی و خودباوری به آنان جرأت و شجاعت بخشید تا مثل ایران بر ویژگی‌های ممتاز مذهب تشیع بیشتر متمرکز شوند و از آموزه‌های آن نظیر جهاد، مبارزه با ظلم، ایثار و شهادت‌طلبی در راستای اهداف ژئوپلیتیک خویش بهره ببرند. (ابوطالبی، ۱۳۸۴)

شیخ دقاق عضو مجلس علمایی بحرین، یکی از عوامل انقلاب بحرین را نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام و برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران می‌داند و تصریح می‌کند:

انقلاب اسلامی ایران امید دوباره‌ای به تمام مستضعفان جهان داد و آنها را مصمم ساخت تا نسبت به استیفای حقوق از دست رفته خود اقدام کنند. (www.shafaghna.com)

شیخ علی سلمان دبیر کل جمعیت الوفاق بحرین در سخنانی با تجلیل از انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

انقلاب مردم ایران در سال ۱۹۷۹ یکی از بزرگترین انقلاب‌های قبل از سال ۲۰۱۱ محسوب می‌شود. این انقلاب در مقایسه تعداد شرکت‌کنندگان هنوز هم یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها است. در تهران شش میلیون نفر برای استقبال از امام راحل (رض) حضور پیدا کردند و این در حالی بود که جمعیت ایران ۳۵ میلیون نفر بود؛ ولی در انقلاب [اخیر] مصر به رغم وجود ۸۰ میلیون نفر در بهترین تخمین‌ها سه میلیون نفر شرکت داشتند و در کشورهای دیگر نیز همچنین. (www.alwefaq.net)

۳. انقلاب اسلامی ایران و افزایش آگاهی مسلمانان بحرین

اصلاح باورهای غلط مسلمانان در خصوص جایگاه دین و نقش اسلام در اداره جوامع و ارائه قرائت صحیح و منطبق بر اصول اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله از جمله مواردی است که به واسطه آن نهضت امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران توانست تأثیرات عمیقی را در میان مردم بحرین برجای گذارد.

«قاسم الهاشمی» از مبارزان برجسته بحرینی در این مورد می‌گوید:

امام خمینی علیه السلام توانست تا آنچه که ما از آن به حجابی ضخیم یاد می‌کنیم و حائلی بین مسلمانان و بین فهم و برداشت آنها از دین و مسئولیت‌هایش بود را کنار بزند. امام خمینی علیه السلام با رهبری‌اش توانست افق‌های جدیدی را پیش روی دیگران قرار دهد و باعث گردید تا از نو و به شیوه‌ای نوین بیندیشند. آنچه که الان مشاهده می‌کنیم نور انقلاب اسلامی ایران است. نور بیداری اسلامی است که از بیش از ۳۰ سال پیش همزمان با ورود قدم‌های مبارک امام خمینی علیه السلام بر این سرزمین پاک شروع به تابیدن کرد و از اینجا بود که بیداری و جوشش حقیقی برای تکاندن غبار فهم نادرست مسلمانان و عدم آشنایی آنها با مسئولیت‌های حقیقی دینشان آغاز شد. (www.farsnews.com)

این مبارز بحرینی همچنین می‌گوید:

جمهوری اسلامی ایران امروز با گذشت ۳۲ سال از عمر خود و به برکت جانفشانی و ایثارگری فرزندان توانسته است رسالت خود را در گسترش این تفکر آگاهی‌بخش بین امت اسلامی به نحو مطلوبی ایفا کند. در نتیجه این تلاش‌ها امت اسلامی به تاریخ خود و گنجینه‌هایش آگاه شده و به خود آمده است. این امت به این باور و یقین رسیده که می‌تواند عظمت و وسعت گذشته خود را بازیابد. مبارزه مردم کشورهای منطقه با حکام ظالم نشانگر این بازگشت به خویش در میان امت اسلامی است. امروز مردم به صحنه آمده‌اند و سرنوشت کشورشان را به دست گرفته‌اند؛ اتفاقی که مرهون تلاش‌های جمهوری اسلامی است. (www.farsi.khamenei.ir)

۴. انقلاب اسلامی ایران و ایجاد باور امکان‌پذیر بودن تغییر

روزنامه انگلیسی «گاردین» در مطلبی به تأثیر الگوی انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای منطقه پرداخت:

زمانی که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام در ایران پیروز شد، این موضوع تحسین ملت‌های عرب منطقه را به دنبال داشت. انقلاب اسلامی ایران در واقع نمونه‌ای از سرنوشتی حکومت‌های خودکامه با استفاده از قیام مردمی را برای اعراب نشان داد؛ اعراب منطقه امید به آزادی و باور به تغییر را در انقلاب ایران یافتند. (www.guardian.co.uk)

ایجاد امید به امکان‌پذیر بودن تغییر از اساسی‌ترین جنبه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران است.

شکی نیست که بیداری اسلامی پدیده سیاسی جدیدی است که تحولات گسترده‌ای در داخل ساختارهای دولت‌های عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه و روابط خارجی آنها پدید آورده است. مهم‌ترین عنصر دگرگون‌ساز در این فرآیند، تحول گسترده در باورهای سیاسی جوامع است که ذهنیت «عدم امکان تغییر» به باور جدید «امکان تغییر» دگرگون شده است. این دگرگونی در نتیجه حوادث بزرگ منطقه‌ای در دو دهه اخیر است که نظرگاه‌های قبلی عدم امکان‌پذیر

بودن تغییر را به چالش کشید و آن را تغییر داد ... تحولات بیداری زیر سقف قاعده دومینو جریان دارد و این نشان می‌دهد که تحول در باورهای جوامع منطقه صورت گرفته که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. (رویوران، ۱۳۹۰)

باور به امکان‌پذیر بودن تغییر مانند نخ تسبیحی است که در همه انقلاب‌های منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا مشاهده می‌شود؛ به تعبیر دیگر:

وجه مشترک همه تحولات در جهان عرب بحث باور به امکان تغییر است. قطعاً انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن در منطقه بیشترین نقش را در این میان داشته است. به این دلیل که انقلاب در منطقه جزیره ثبات نفوذ آمریکا اتفاق افتاده و یک ناممکن را ممکن کرد. در لبنان تحولاتی که با پیدایش حزب‌الله و متأثر از انقلاب ایران اتفاق افتاد، از جمله شکست دادن نظامی اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه و در غزه نیز در جنگ ۲۲ روزه یک ناممکن، ممکن شد و آن اینکه یک جامعه با امکانات بسیار محدود نظامی بتواند در مقابل ماشین جنگی اسرائیل ایستادگی کند و آن را شکست دهد. مجموعه حوادث مترکام در سی سال گذشته در منطقه در تشکیل این باور یعنی امکان تغییر نقش داشته است. به عبارت دیگر عوامل خارجی بیش از عوامل داخلی در این تحولات و باور آن نقش داشته است. به همین دلیل آنچه که در منطقه اتفاق افتاده نوعی خویشاوندی با آنچه که در ایران اتفاق افتاده دارد و مشترکاتی بر حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت باعث به وجود آمدن این اشتراک میان این کشورها و ایران و بروز چنین تحولاتی بوده است. (www.irdiplomacy.ir)

«عبدالله قصیر» مدیر شبکه ماهواره‌ای «المنار» لبنان در این مورد می‌گوید:

به عقیده من، امام علیه السلام در مسئله انقلاب اسلامی ایران و تأسیس جمهوری اسلامی، «محال» را شکست داد و بذر «امکان» را در باور مردم و مسلمانان کاشت. این موضوع مهم در خط فکری امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای به خوبی مشاهده می‌شود. الان حزب‌الله لبنان ممکن را آشکار ساخته و محال را شکست داده و این واژه را از قاموس ملت‌ها حذف کرده است. قبل از انقلاب اسلامی ایران و تجربه مقاومت اسلامی در لبنان، مردم فقط آرزو داشتند که ظلم تمام شود، [...] البته در عین حال از تحقق این آرزو ناامید بودند، [...] الان که اخبار پیروزی حزب‌الله بر اسرائیل منتشر می‌شود، مردم منطقه به این فکر می‌افتند که یک مجموعه کوچک می‌تواند یک دولت سرکش بزرگ مانند اسرائیل را شکست بدهد، پس چرا ما نتوانیم «حسینی مبارک» یا «زین‌العابدین بن علی» را شکست دهیم؟ (www.farsi.khamenei.ir)

انقلاب اسلامی ایران با طی راهی که تا پیش از آن محال و غیر ممکن به نظر می‌رسید الگوی جدید از زندگی و مبارزه را پیش‌روی ملت‌های مسلمان ترسیم کرد. بدین ترتیب ایجاد «باور به امکان‌پذیر بودن تغییر» و «دمیدن روح اعتماد به نفس و خودباوری» از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر

مسلمانان جهان به‌ویژه مردم بحرین به شمار می‌آید.

باید اشاره کرد که تأثیرات انقلاب اسلامی تنها به علت طرح برخی مسائل نظری صورت نگرفته و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در ایجاد باور به امکان‌پذیر بودن تغییر داشته است؛ چراکه انقلاب اسلامی ایران بر خلاف بسیاری از حرکت‌ها، در جنبه سلبی و سرنگونی حکومت‌ها متوقف نشده و این انقلاب توانست با ارائه الگویی از نظام سیاسی مبتنی بر گزاره‌های اصیل اسلامی که از آن به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر می‌شود در جنبه ایجابی نیز الگویی موفق را در برابر ملت‌های مسلمان قرار دهد.

انقلاب روزنه‌ای نبود که تنها بن‌بست را درهم شکند، بلکه راه جدیدی نیز پیش‌رو می‌نهاد و آن بازگشت به اسلام به عنوان مدار و محور اصلی مبارزه بود. (پارسانیا، ۱۳۷۶: ۳۵۳)

با توجه به اهمیت و نقش الگوی مردم‌سالاری دینی در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و شکل‌گیری باور به امکان‌پذیر بودن تغییر در میان امت اسلامی به بررسی این مسئله الگو می‌پردازیم.

مردم‌سالاری دینی

امام خمینی ره با پی‌ریزی الگوی مردم‌سالاری دینی، بزرگ‌ترین گره موجود در راه تشکیل حکومت اسلامی در عصر حاضر را گشود. به‌کارگیری این الگو در برپایی نظام جمهوری اسلامی از دو جنبه حائز اهمیت بود.

اول: بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی بر پایه مردم‌سالاری دینی در ایران بسیاری از ملت‌ها وضعیت خود را با وضعیت ملت ایران مقایسه کرده و به نقایص موجود در حکومت‌های خود پی بردند. دوم: با برپایی نظامی سیاسی ایران، مردم‌سالاری دینی به عنوان الگویی نو به ملت‌های اسلامی عرضه شد که با عمل به آن می‌توان نظامی دینی و مبتنی بر خواست مردم را تشکیل داد.

انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین و سیاست را آشکار سازد و با پاسخگویی هم‌زمان به دو پرسش افلاطونی یعنی «چه کسی باید حکومت کند؟» و «ماکیاولی یعنی «چگونه باید حکومت کرد؟» نوعی نظام سیاسی را رقم زد که هم بر ویژگی‌های معنوی و سیاسی حاکم و هم بر پیوند ارزش‌های اسلامی با ساختار یا روش مردم‌سالار استوار باشد. چنین سازه حکومتی که بر تطابق اسلام با مقتضیات زمان و نوزایی دینی با احیای نظریات اسلام درباره حکومت و دولت‌مداری استوار بود هم بر شیوه حکومتی جمهوری و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی تأکید می‌کرد و هم الگوی اسلام‌گرایی و ارزش‌های پایدار اسلامی یعنی عدالت‌گرایی، خدامحوری و معنویت‌گرایی را اساس نظام سیاسی می‌دانست. نظام جمهوری اسلامی بیانگر پیوند دین و سیاست، تلفیق ساختار و کارکرد و نمایانگر آن بود که امکان دینداری همگام با مدرن شدن وجود دارد. (دهشیری، ۱۳۸۲)

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد الگوی مردم‌سالاری دینی معتقدند:

الگوی نوین مردم‌سالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظام‌های بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاول‌گران و از غرقه شدن در وادی مادی‌گری و اباحی‌گری و دور افتادن از معنویت، مبرا گردد و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم‌گرایی را در عمل تخطئه کند ... این الگوی نوین، در رشد خود و در بقا و استحکام خود در دستیابی به هدف‌های خود، حجتی قاطع بر ضد همه نظام‌هایی است که به نام انسان‌گرایی، مردم را از خدا و معنویت بیگانه ساختند و با نام مردم‌سالاری انسان‌ها را به شکل‌های گوناگون در پنجه اقتدار خود فشردند. (www.farsi.khamenei.ir)

یکی از تحلیلگران نیز در این رابطه می‌نویسد:

عرضه دکرترین مردم‌سالاری دینی به جهانیان از سوی انقلاب اسلامی موجب توسعه فرهنگ تعامل‌مدار مبتنی بر اهتمام دولت‌ها به خواست‌های مردم مسلمان برای ایجاد جامعه بشری متناسب با فطرت انسانی گردید و توانست با احیای نقش ملت‌ها بر ضرورت پیوند و ارتباط وثیق میان مردم و دولت‌ها تأکید نماید و گرایش به اسلام به مثابه مبنای حکومت مردمی را در میان ملت‌ها تقویت کند و بنیادگذاری حکومت‌هایی را تشویق نماید که بر اجرای اصول شریعت و تحقق عدالت اجتماعی تأکید می‌ورزیدند. چنین نظامی توانست ضمن به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی افراطی از جمله پان‌عربیسم، رژیم‌های وابسته به شرق و غرب را به چالش کشاند و به مبارزه همزمان با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بپردازد. (دهشیری، ۱۳۸۲)

رهبر انقلاب اسلامی ایران در خطبه‌های نماز جمعه چهاردهم بهمن ۱۳۹۰ که به زبان عربی بیان شد، فرمودند:

انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند «مسلمان معاصر» بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غرب‌گرایانه باشد و با شعار «الله اکبر» می‌خواهند مسلمانانه، با ترکیب «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت» و با روش «مردم‌سالاری دینی»، از پس تحقیر و استبداد و عقب‌ماندگی و استعمار و فساد و فقر و تبعیض صد ساله رهایی یابند؛ و این، درست‌ترین راه است. (www.farsi.khamenei.ir)

باورهای اسلامی و حرکت در راه دستیابی به جوامع دین‌محور نقشی اساسی را در شکل‌گیری تحولات یکی دو سال اخیر خاورمیانه بر عهده داشته است.

عامل اصلی تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه اسلام‌خواهی بوده و اسلام عامل تعیین‌کننده‌ای در این جریان‌ات محسوب می‌شود. همچنین خواسته مردم انقلابی نیز دستیابی به مردم‌سالاری

اسلامی است که می‌تواند اشکال و انواع مختلفی داشته باشد ... سوسیالیسم، سایر استراتژی‌های غربی و حتی پان‌عربیسم نیز نتوانست الگوی مناسبی برای مردم این کشورها فراهم کند و آنها به دنبال پیاده کردن الگوی مردم‌سالاری دینی هستند. (www.isna.ir)

اکثر رژیم‌های عربی یا آنچه ما رژیم عربی می‌نامیم هنوز به یک واقعیت و هویت درست ملی و کامل نرسیده‌اند و عموماً به صورت فردی یا قبیله‌ای یا خانوادگی است. طبیعی است، در عصر جهانی شدن یا در عصری که مردم‌سالاری دینی به طور کلی نظام مشروع و مقبول است، اینها نظام‌های متعارفی نیستند، لذا دچار بحران‌های مشروعیت، هویت، مشارکت نفوذ و توزیع هستند؛ یعنی مردم و ملت‌های عربی در پی ایجاد یک دولت ملی (نه به معنای ملی‌گرا) که مردم‌سالاری باشد، هستند. این به خواست کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه نیست. بنابراین طبیعی است بحران‌هایی که از شمال آفریقا شروع شده به این کشورها به‌ویژه کشورهایی مثل بحرین و عربستان که فاقد ویژگی‌های دولت ملی و مردم‌سالارانه هستند، برسد. بدین ترتیب چنین کشورهایی در معرض بحران‌های سیاسی یا به بیان دیگر تحولات بیداری اسلامی هستند. (www.iran-newspaper.com)

«شیخ علی سلمان» در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در سخنانی می‌گوید:

این سنت حیات است که حکومت‌هایی مقتدر بسیاری تشکیل می‌شود و بعد از مدتی حکومت دیگری آن را سرنگون می‌کند و حکومتی جدید تشکیل می‌گردد و فرمانروایی پس از فرمانروا می‌آیند و می‌روند. اما هیچ یک از اینها حکومتی را تشکیل نمی‌دهند که در آن ارزش‌هایی انسانی محترم باشد. به هر حال نتیجه‌ای که می‌توان از این حکومت‌ها گرفت آن است که سرنگونی این حکومت‌ها فقط به دلیل ظلم‌ستیزی است. این [ظلم‌ستیزی] امری است که در نظر همه کسانی که به مبارزه با ظلم و استبداد برمی‌خیزند مطلوب است. اما در این مرحله نمی‌توان گفت که تمامی این انقلاب‌ها براساس استبدادستیزی و مبارزه با ظلم بوده‌اند. اما آنچه که شاهد آنیم اینکه خیلی پیش آمده که دیکتاتوری می‌رود و دیکتاتوری دیگر جایگزین آن می‌شود که حکومت آن ریشه در حکومت قبلی دارد و فقط شکل ظاهری حکومت تغییر می‌کند. برای نمونه در کشورهای عربی نمونه‌های زیادی وجود دارد از جمله آنها رئیس جمهوری مصر «جمال عبد الناصر» که وی دیکتاتوری پادشاهی را به دیکتاتوری افسران آزاد تبدیل کرد. اما نکته قابل توجه و اهمیت این است که انقلاب امام خمینی (ره) در این منجلاب نیفتاد و با ذکاوت خاصی تمامی ریشه‌های نظام سابق را از بین برد. آنچه که در ایران به دست امام خمینی (ره) رخ داد مسئله‌ای دیگر بود. در ابتدا به یک شکل هستند سرنگونی دیکتاتور بود اما اهداف و شکل حکومت به طور کلی متفاوت بود. فرق بین آنها جوهری است امام خمینی (ره) حکومتی جدید مبتنی بر «ولایت فقیه» و آراء مردم را بر پا کرد و در اینجا با تمامی حکومت‌های دیگر اختلاف جوهری دارد. که این مبنای حکومتی در نوع خود بی‌نظیر است و بر مبنای سنت نبوی و فقه امامی است. در این نظام حرف‌نهایی در حل مشکلات با این مقام

الهی [ولی فقیه] است که به وسیله انتخاب نخبگان امت [مجلس خبرگان] صورت می‌گیرد و آن‌ها [خبرگان] با درایت تمام ولی‌فقیه را انتخاب می‌کنند ... مردم در انتخابات قوه مجریه و مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان شرکت می‌کردند و حضوری پرشور داشتند و با تمامی فشارهای سیاسی و اقتصادی که غرب علیه ایران داشت هیچ تأثیری در روند پیش‌برد مسائل در ایران نداشت. در هیچ دوره‌ای در انتخابات قلب صورت نگرفت و این نشان دهند ارتباط قوی مردم با دستگاه حکومتی خود است. به یاد می‌آوریم انتخابات ریاست آقای «خاتمی» و برنده شدن «احمدی‌نژاد» در دو دوره و در آینده نیز که هنوز هیچ‌کس نمی‌داند که چه کسی رأی می‌آورد، و این دارای معنای واضحی است و باید انقلاب‌های منطقه به این نکته توجه کنند که این معنای حکومت مردم‌سالاری است. باید این پرسش را طرح کرد که کدام شکل حکومت به انسانیت انسان اهمیت می‌دهد؛ این شکل حکومت یا حکومت‌های موجود؟ به تجربه دیده شده که کدام شکل حکومت برای مردم خود ارزش قائل است و به تجربه دیده شده است نظام جمهوری اسلامی ایران تا به حال بهترین روش است برای حفظ انسانیت انسان و ارج نهادن به آن. (www.alwefaq.net)

تأثیرپذیری بیداری اسلامی در بحرین از انقلاب اسلامی

یکی از مسائل مهمی که این تحقیق براساس آن شکل گرفت مشاهده تشابهات زیاد میان حرکت انقلاب مردم بحرین با انقلاب مردم ایران است؛ این شباهت‌ها به گونه‌ای است که حتی مدیر بخش فارسی شبکه بی‌بی‌سی در گزارش خود از سفر به بحرین بر آن تأکید کرده و می‌گوید: «من به یاد روزهای انقلاب ایران افتادم. شباهت‌ها باور نکردنی بود.» (www.bbc.co.uk/persian) شعارها و نمادها، پایگاه‌های انقلاب، رهبری، نقش بانوان مسلمان و فرهنگ شهادت از جمله وجوه مشترک میان انقلاب دو ملت ایران و بحرین است.

۱. شعارها و نمادها

شعار انقلابی عبارتی نسبتاً موزون و ساده و عامه‌فهم است که بتواند دسته‌جمعی ادا شود و با تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ای، ارزیابی منفی یا مثبتی از وضع موجود، یا وضع آرمان، یا شخصیت‌های سیاسی آنها ارائه دهد و با قضاوت ارزشی به توده‌ها جهت داده و آنها را دعوت به عمل سیاسی جمعی کند تا نظام حاکم را برانداخته و نظام آرمانی جایگزین آن کند. (پناهی، ۱۳۷۹)

با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران مشاهده می‌شد که آنچه در شعارهای به کار گرفته شده در جریان انقلاب اسلامی ایران بیش از پیش به چشم می‌خورد تکیه بر ارزش‌های اسلامی مانند توکل بر خدا و ظلم‌ستیزی است. در این مورد مطالعه شعارهای به کار گرفته شده توسط ملت بحرین، شباهت‌های زیادی را با شعارهای مطرح شده در انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد؛ «عزیز حسن‌الخضران» از فعالان بحرینی در مقاله‌ای که به بررسی ارتباط اسلام و انقلاب‌های عربی به خصوص در بحرین اختصاص یافته، آورده است:

شعار چیزی است که از رسوم و عقاید ملت‌ها الهام گرفته می‌شود و بسیاری از حوزه‌های را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ بررسی شعارهای مردم بحرین در گذشته و حال نشان می‌دهد که شعارهای مردم بحرین همواره شعارهای اسلامی بوده است که به عنوان بارزترین این شعارها می‌توان از شعار «الله اکبر» یاد کرد. در شروع دور جدید حرکت مردم بحرین الله اکبر شعاری بود که مردم بحرین شب‌ها با حضور در پشت‌بام منازل خود آن را سر می‌دادند. بعد از تکبیر شعار «النصر للإسلام» به عنوان شعاری که سابقه طولانی‌مدتی در بحرین دارد از دیگر شعارهایی است که در این انقلاب نیز مورد استفاده قرار گرفته است. «منصورین و الناصرالله» شعار جدیدی است که در این انقلاب از سوی مردم سر داده شده است. و همچنین شعار «هیئات من الذلّة»، «لیبیک یا اسلام» و «لن نرکع إلا لله» و شعارهایی از این دست که از ارتباط گسترده انقلاب بحرین با ارزش‌های اسلامی حکایت می‌کند. (الخضران، ۱۳۹۰)

۲. پایگاه‌های اصلی قیام

ماهیت کانون‌های شکل‌گیری و تداوم هر حرکت به نوعی نشان دهنده ماهیت و خاستگاه آن حرکت به شمار می‌آید. این پایگاه‌ها در طول سالیان دراز با اقدامات خود تغذیه فکری و فرهنگی مردم مناطق مختلف و بار تربیت نسل‌ها را بر دوش کشیده‌اند؛ باورهایی که به واسطه اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی مورد اشاره در اذهان مردم و جوانان یک جامعه نهادینه می‌شود، نقش بسزایی را در شکل‌گیری و صورت‌بندی جریانات اجتماعی آینده آن جامعه بازی خواهد کرد.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران بارها بر نقش مساجد و مراسمات مذهبی در ایجاد، حفظ و تداوم اسلام و انقلاب تأکید کرده‌اند. «حامد الگار» در مورد نقش مساجد در روند انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزلت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند بلکه برعکس، مسجد به عنوان یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید به طور خلاصه مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود. (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۶۴)

در مورد انقلاب ۱۴ فوریه بحرین نیز پایگاه‌های اصلی قیام قابل بررسی است. نماز جمعه به عنوان اصلی‌ترین پایگاه انقلاب بحرین به شمار می‌آید؛ هر جمعه مردم بحرین با تجمع در اماکن برگزاری نماز جمعه به خصوص «مسجد جامع امام صادق علیه السلام» در منطقه «الدرّاز» و «مسجد امام صادق علیه السلام» در منطقه «القفول» از آخرین تصمیمات و راهبردهای اتخاذ شده توسط رهبران انقلاب به‌ویژه آیت‌الله شیخ عیسی قاسم مطلع می‌شوند.

شیخ عیسی قاسم در یکی از خطبه‌های نماز جمعه مسجد امام صادق (ع) با اشاره به سیاست تخریب مساجد توسط آل خلیفه می‌گوید:

تخریب مساجد و بازگشت مجدد این پدیده شوم به بحرین، اعلام آشکار جنگ به مقدسات الهی و بازیچه قرار دادن مقدرات و سرنوشت دین به شمار می‌آید. تخریب مساجد انکار اصل حقوق شهروندی و حق مردم در آزادی دینی و شعائر دینی است. (www.abna.ir)

خبرگزاری رویانوستی از انقلاب مردم بحرین با عبارت «مظلوم‌ترین انقلاب کشورهای عربی» یاد می‌کند و از تخریب بیش از ۵۰ مسجد و عبادتگاه توسط حکومت آل خلیفه خبر داده و می‌نویسد: «انتشار تصاویر تخریب این اماکن دینی، هر بار روح تازه‌ای به مخالفان آل خلیفه می‌داد و آنها روحیه‌ای مضاعف می‌گرفتند تا در مسیر سقوط آل خلیفه استوار باشند». (www.iribnews.ir)

«روی گوتمن» عضو انجمن خبرنگاران حرفه‌ای جهان در یادداشت‌های خود از سفر به بحرین در روزنامه «مک‌کارتی» می‌نویسد:

مسجد «شیخ مؤمن» هم یکی دیگر از مراکز مهم عبادت مسلمانان و به خصوص شیعیان در شهر «النویدرات» بحرین بود؛ جایی که اولین حرکت انقلابیون در ۱۴ ماه فوریه علیه حکومت شروع شد [...] در روزهای اخیر توسط نیروهای نظامی آل سعود و آل خلیفه تخریب شده است. (www.rajanews.com)

اصرار رژیم بحرین بر تخریب مساجد، بهترین شاهد برای اثبات تأثیرگذاری مساجد در ساماندهی انقلاب مردمی بحرین به شمار می‌آید.

۳. رهبری قیام

رهبری در هر حرکت اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی به شمار می‌آید که می‌توان با بررسی آن تا حدود زیادی به سمت و سوی حرکت مورد نظر پی برد. به همین دلیل شخصیت رهبری یا رهبران در هر حرکت اجتماعی و سیاسی، خبر از جهت‌گیری و ماهیت آن حرکت می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر حرکت‌های عصر حاضر رهبری توسط روحانیت شیعه بود؛ مردم ایران در سال‌های منتهی به انقلاب و بعد از آن با حرکت در مسیر ترسیم شده توسط حضرت امام خمینی (ره) بود که توانستند بر مشکلات غلبه کرده و امروزه ایران را به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل کنند. بحرین تنها کشور دستخوش تحولات است که انقلاب آن از رهبری منسجمی برخوردار است؛ در میان شخصیت‌های موجود در کشور بحرین کسی که بیشترین تأثیرگذاری را بر انقلاب دارد، آیت‌الله «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» است. حمایت ایشان از حرکت‌های اجتماعی در بحرین

نقش تعیین کننده‌ای در حضور مردم و شکل‌گیری تحولات دارد.^۱ مدیر بخش فارسی شبکه بی‌بی‌سی در مورد ایشان می‌نویسد: «یکی از چهره‌های تعیین کننده در آینده بحرین آیت‌الله عیسی احمد قاسم است که از او به عنوان آیت‌الله خمینی بحرین اسم برده می‌شود». (www.bbc.co.uk/persian) در مراحل مختلف انقلاب مردم بحرین دعوت شیخ عیسی قاسم از مردم برای حضور در صحنه، تأثیر قابل توجهی بر افزایش مشارکت مردم داشته است. (www.fa.alalam.ir)

۳. زن مسلمان و انقلاب بحرین

جایگاه زنان همواره به عنوان تربیت‌کنندگان نسل‌ها و پشتیبانان اصلی حرکت‌های اجتماعی در آموزه‌های دینی و اسلامی مورد تأکید قرار داشته است؛ امام خمینی علیه السلام در مورد جایگاه زنان در جامعه می‌فرماید:

در بسیاری از موارد نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴ / ۱۹۷)

همچنین ایشان معتقدند که مادران شریف‌ترین و بزرگ‌ترین شغل و مسئولیت را برعهده دارند؛ چراکه وظیفه تربیت نسل و انسان‌سازی را برعهده دارند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷ / ۱۷۶) بانوان بحرینی نیز با توجه به فرهنگ مشترک دو ملت در جریان انقلاب اخیر نقشی مشابه بانوان ایرانی را برعهده داشته و با حضور فعال، تأثیرگذاری خود را بر تحولات اخیر ثابت کرده‌اند.

خانم «لمیس ضیف» روزنامه‌نگار بحرینی در مورد نقش زنان می‌گوید:

زنان بحرینی با عزم، اراده، دانش و ایمان کامل به خداوند که از هر سلاحی قدرتمندتر است، کارهای ناممکنی را در میدان لؤلؤ انجام دادند؛ زنان بحرینی به فرزندان‌شان کفن پوشانده، آنها را قرآن به دست، راهی خیابان‌ها کردند؛ زنان بحرینی فرزندان‌شان را به خروج تشویق کرده، و آنها را از بازگشت از اصولشان منع می‌کنند؛ زنان بحرینی در برابر درخواست [مردان] بحرینی که پس از سرکوب‌های خونبار خواستار عدم حضور آنها در تظاهرات‌ها شدند با رد این خواسته، تأکید کردند که بحرین به آنها نیز تعلق دارد و آنها نیز در این کشور حقوقی دارند. (www.fa.alalam.ir)

۴. فرهنگ شهادت

بذل جان و چشم‌پوشی بر تمام لذایذ دنیوی در راه رضای خداوند در فرهنگ اسلامی و به خصوص فرهنگ شیعی از جایگاه والایی برخوردار است. شهادت در فرهنگ شیعیان بالاترین مقامی است که یک انسان

۱. در مورد نقش آیت‌الله شیخ عیسی قاسم مراجعه شود به:

<http://www.shafaqna.com/persian/component/k2/item/25298>.

می‌تواند به آن دست یابد. الگوگیری از قیام عاشورای امام حسین علیه السلام در مبارزه با طواغیت از چشمه‌های تغذیه‌کننده قیام‌های شیعیان در طول تاریخ به شمار می‌آمده است.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین انقلاب شیعی عصر حاضر نیز با تکیه بر این فرهنگ شگفتی‌های بزرگی را رقم زد. امام خمینی رحمه الله در این خصوص می‌فرماید:

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیست با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای «شهادت» و «شهید دادن» آماده نموده است و به خود باکی راه نمی‌دهد که دست جنایتکاران ابرقدرت از آستین مشت‌ی جنایتکار حرفه‌ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت رساند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۱)

این مسئله در قیام اخیر مردم بحرین نیز نقشی محوری را بر عهده داشته و باعث اوج‌گیری قیام شده است. شیخ عیسی قاسم نیز در جایگاه یک عالم دینی و رهبر انقلاب مردم بحرین، بارها بر اهمیت شهادت و خون شهید در جریان انقلاب تأکید کرده است؛ وی در این خصوص می‌فرماید:

خون شهید با روحیه عزت و کرامت، بیداری و هوشیاری و احساس نفرت نسبت به ظلم و دشمنی آغشته است و باید از این خون‌ها محافظت کرد. کسانی که در پی خاموش ساختن انقلاب‌های مردمی و دفن مطالبات عادلانه آن هستند در اوج حماقت به سر می‌برند و با ریختن خون‌های حرام می‌خواهند دیگران را از مسیر شهادت دور سازند، اما همه چیز برعکس است و تنها خون شهادت است که جنبش‌های مردمی را تغذیه کرده و در دل و جان مردم نفوذ می‌کند. خون شهدا جوشان است و دل‌ها را زنده، بیدار و هوشیار می‌سازد. (www.shafaghna.com)

نتیجه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در کشوری که از یک سو به عنوان پایگاه اصلی ایالات متحده در خاورمیانه به شمار می‌رفت و از سوی دیگر در همسایگی شوروی قرار داشت پیام‌های روشنی را برای ملت‌های مسلمان به همراه داشت. این انقلاب نشان داد که ملت‌های مسلمان می‌توانند با تکیه بر توان بومی خود و عمل بر اساس مبانی اصیل اسلامی علی‌رغم خواست قدرت‌های هژمون به پیروزی دست پیدا کنند. به همین دلیل ملت‌های مسلمان تأثیرات مختلفی را از این انقلاب پذیرفته‌اند.

پس از انقلاب ایران بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مؤلفه‌های به کارگرفته شد در آن پرداختند. رهبری قیام‌ها توسط علمای دینی و نقش تعیین‌کننده نهادهای مذهبی در جامعه از جمله مسائلی است که تا پیش از انقلاب ایران از جایگاه پررنگی در جوامع اسلامی برخوردار نبود؛ لکن پس از موفقیت رهبری امام خمینی رحمه الله در ایران بود که رهبری دینی بار

دیگر جایگاه خود را در جوامع اسلامی باز یافت. شعارها و نمادهای به کار گرفته شده در انقلاب اسلامی ایران و تأکید بر ماهیت مذهبی انقلاب در بسیاری از حرکت‌های پس از آن به کار گرفته شد. استفاده از مساجد، اماکن و مراسم‌های مذهبی به عنوان پایگاه‌های اصلی قیام نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران بیش از پیش در کانون توجه جنبش‌های اسلامی قرار گرفت. زنان به عنوان نیمی از جمعیت تشکیل دهنده جوامع، همیشه نقش مهمی را در تحولات ایفا کرده‌اند؛ لکن این پتانسیل در بسیاری از حرکت‌های اسلامی مغفول مانده بود؛ به واسطه انقلاب اسلامی ایران و تأکیدات امام علیه السلام مبنی بر جایگاه والای بانوان مسلمان در تربیت نسل‌ها این ظرفیت به عرصه تحولات ملت‌های مسلمان بازگشت. تکیه بر فرهنگ منبعث از قیام عاشورای امام حسین علیه السلام و شهادت‌طلبی دیگر مؤلفه‌ای است که نقش مؤثری در پیشبرد نهضت‌ها داشته است. این موارد، از جمله دلایلی است که بر تأثیرپذیری انقلاب مردم بحرین از انقلاب اسلامی ایران دلالت می‌کند.

همچنین تأثیر سرایتی ناشی از انقلاب اسلامی ایران به افزایش انتظارات ملت‌های منطقه از حکومت‌هایشان منجر شد؛ بعد از انقلاب و برپایی نظام جمهوری اسلامی بر اساس خواست مردم، بسیاری از ملت‌ها با مزایای شیوه زندگی بهتر آشنا شدند؛ ضمن اینکه با مشاهده نمونه‌ای عملی از الگوی جدید، آن را قابل دسترسی دیدند.

باور به امکان‌پذیر بودن تغییر و دمیدن روح اعتماد به نفس را می‌توان از اصلی‌ترین مسائلی دانست که به واسطه وقوع انقلاب اسلامی به ملت‌های مسلمان منتقل شد.

شکل‌گیری جمهوری اسلامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی به عنوان الگویی کارا از نظام سیاسی مبتنی بر اسلام نقش مهمی را در ایجاد این باور برعهده داشته است؛ چراکه تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حرکت‌های مسلمانان به علت فقدان الگویی که بتوانند بر اساس آن نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را تشکیل دهند، غالباً به ایدئولوژی‌های غربی متوسل می‌شدند. که البته به علت عدم همخوانی این ایدئولوژی‌ها با باورهای مسلمانان حرکت‌های شکل گرفته به موفقیت نمی‌رسید. اما انقلاب اسلامی برخلاف سایر حرکت‌های مسلمانان علاوه بر جنبه سلبی که به شکل سرنگونی حکومت طاغوت نمود پیدا کرد در جنبه ایجابی با ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی توانست قدرت اسلام را در اداره جامعه به اثبات برساند. انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن برپایی و استمرار بیش از سه دهه‌ای نظام جمهوری اسلامی که علی‌رغم کارشکنی‌هایی مانند جنگ، فتنه انگیزی، تحریم و ... صورت گرفته، صحنه معادلات جهانی و منطقه‌ای را دستخوش تغییرات عمده‌ای کرد که در عصر حاضر به شکل بیداری اسلامی بروز و ظهور یافته است.

منابع و مأخذ

۱. ابوطالبی، مهدی، ۱۳۸۴، «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی»، قم، مجله معرفت، شماره ۹۸.
۲. الخضرانی، عزیز حسن، ۱۳۹۰، «الثورات العربية و علاقتها بالاسلام (البحرین مثلاً)»، رسالة القلم، شماره ۳۰.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین □ ۲۰۷

۳. اسپوزیتو، جان.ال، ۱۳۸۲، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، نشر باز. (مرکز بازشناسی اسلامی و ایران)
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. انصاری بویراحمدی، علی، ۱۳۹۰، *شیعیان بحرین (اکثریت مظلوم)*، قم، مجمع جهانی شیعه‌شناسی.
۶. انصاری، هادی، ۱۳۹۰، «تشیع، نگرش پیشرو در بیداری اسلامی عراق جدید»، *خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*.
۷. بحرانی، مرتضی، ۱۳۸۱، *جنبش‌های سیاسی اجتماعی بحرین*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۸. البحرانی، مهدی، ۱۳۹۰، «نهضت بیدارگری اسلامی و توطئه‌های آمریکا»، *خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*.
۹. بی‌نا، ۱۳۹۱، *کتاب بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۰. پارسا، حمید، ۱۳۷۶، *حدیث پیمانه (پژوهش در انقلاب اسلامی)*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۱۱. پناهی، محمد حسین، ۱۳۷۹، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
۱۲. توال، فرانسوا، ۱۳۸۳، *ژئوپلتیک شیعه*، ترجمه کتایون باصر، تهران، انتشارات ویستار.
۱۳. جاسم عاشور، علی، ۱۳۹۰، «بیداری اسلامی چالش‌ها و چشم اندازها»، *خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*.
۱۴. جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، «انقلاب اسلامی ایران در دنیای جدید»، *فصلنامه حضور*، شماره ۳۰.
۱۵. _____، ۱۳۸۷، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۶. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۷، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. دکم‌جیان، هرایر، ۱۳۶۶، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، تهران، انتشارات کیهان.
۱۸. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۲، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۸-۷.
۱۹. _____، ۱۳۸۵، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی»، *فصلنامه حضور*، شماره ۵۷.

۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۹، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. رابرت گر، تد، ۱۳۸۸، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ سوم.
۲۲. الراشد، راشد، ۱۳۹۰، «بیداری اسلامی نگاهی به موانع و مطالبات»، خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۳. رویوران، حسین، ۱۳۹۰، «دومینوی سقوط رهبران عرب»، خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۴. سیف‌افجه‌ای، معصومه، ۱۳۸۸، *بحرین (کتاب سبز)*، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. شریف‌پور، رضا، ۱۳۸۰، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. صادقی، سعید، ۱۳۸۹، *تئوری‌های انقلاب*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۷. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۹، *رهیافت‌های نظری به انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۲۸. محمدی، علی، ۱۳۷۶، *سیمای بحرین «جزیره ایمان»*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۹. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۸، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی، ۱۳۸۳، *راهنمای کشورهای منطقه و خلیج فارس*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳۱. نامی، محمدحسن و شامی قرچه‌لو و محمد ابوالفضل، ۱۳۹۰، *بحرین*، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی. (معاونت اطلاعات آجا)
۳۲. واعظی، محمود، ۱۳۹۰، *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روندها*، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

33. www.alwefaq.net.

35. www.guardianco.uk.

37. www.irdiplomacy.ir.

39. www.khamenei.ir.

41. www.bbc.co.uk.

43. www.alalam.ir.

45. www.iribnews.ir.

34. www.farsnews.com.

36. www.iran-newspaper.com.

38. www.isna.ir.

40. www.shafaghna.com.

42. www.abna.ir.

44. www.rajanews.com.